

تحلیل مضمون، عوامل مؤثر بر فرهنگ تضاد در میان ایرانیان^۱

یاور عیوضی (نویسنده مسئول)^۲

محمدتقی دشتی^۳

محمدباقر صدقی^۴

مهدی ایمانی^۵

چکیده

فرهنگ تضاد به معنای میل به تضادآفرینی و عدول از آداب تضاد، همواره مانعی برای تحقق توافق اجتماعی، و عاملی برای پیدایی انواع واگرایی‌هاست. مؤلف مقاله سعی دارد با استخراج عوامل مؤثر بر پیدایی و تشدید این موضوع، مدلی برای آسیب‌شناسی فرهنگ تضاد ارائه دهد. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل مضمون و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسناد پژوهشی و مصاحبه با نخبگان دانشگاهی، به این دغدغه پاسخ داده می‌شود. جامعه‌پذیری نامتساها، فقدان ظرفیت‌های لازم برای کسب سرمایه اجتماعی، ته‌نشست مرتبط با جامعه استبدادزده، قطاعی شدن جامعه، ساختار حقوقی و قانونی نامتساها، تجربه ناامنی و ناپایداری، ضعف نیروهای مدنی، قبیله‌گرایی و اقتضائات فرهنگی مرتبط با آن در ساحت‌های مختلف اجتماعی، از جمله مضامین پایه‌ای هستند که فضای تبیینی مسئله را شکل می‌دهند. منطبق با شبکه مضمونی، تمامی مضامین پایه (۲۵ مورد) حول سه مضمون سازمان‌دهنده صورت‌بندی شده‌اند؛ و در مجموع، ساختار تضادآفرین بر مبنای سه‌گانه حمایت‌گرهای فرهنگی تضاد، حمایت‌گرهای اجتماعی تضاد، و حمایت‌گرهای سیاسی تضاد ترسیم گردید. همسو با چنین مدلی، راهبردهای پژوهشی معطوف به لزوم دستکاری و تغییر مثبت در ابعاد سه‌گانه، ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ تضاد، تحلیل مضمون، ساختار تضادآفرین، واگرایی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۹ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

۲. پژوهشگر گروه فرهنگ دین و فرهنگ دینی مرکز پژوهشی مینا؛ ya.eivazy@chmail.ir

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه و رئیس مرکز پژوهشی مینا؛ dashti@smhi.ir

۴. پژوهشگر مرکز پژوهشی مینا؛ babak.60bs@chmail.ir

۵. عضو هیئت علمی دانشگاه اراک؛ imanimoghadam@yahoo.com

۱. مقدمه

رابطه اجتماعی به عنوان وجه ممیزه انسان از حیوان، انحصاری‌ترین مسیر برای هویت‌بخشی به خود و تحقق اهداف و آمال انسانی است. رابطه اجتماعی، امکانی برای تکامل خویش و جامعه محسوب شده، کارکردهای چندگانه و بی‌شماری دارد. کم و کیف برقراری رابطه اجتماعی بیش از هر چیز با موقعیت اجتماعی، شرایط زیستی و جهان‌حیاتی افراد و گروه‌ها مرتبط است. به این معنا از یک سو، ارزش‌گذاری درباره یک رابطه اجتماعی مطلوب و سالم، متکی بر زمینه‌های فرهنگی نقش‌آفرینان در ارتباط است و از سوی دیگر، میزان حمایت‌ها و تسهیلاتی که جامعه به افراد برای تحقق تعاملات می‌دهد، نقش ویژه‌ای در توسعه امور جمعی و مشارکتی دارد. با لحاظ چنین ملاحظه‌ای است که می‌توان گوناگونی افراد، گروه‌ها و جوامع در کم و کیف فرهنگ تعامل را توضیح داد.

اگر فرهنگ را به معنای دستاوردهای غیرمادی بشر بدانیم که تجلیات و مظاهر مادی و غیرمادی دارد، می‌توان چنین اظهار داشت که در خصوص میزان و نحوه تعامل نیز تمامی جوامع بر مبنای وضعیت‌های زمینه‌ای خویش (تاریخی، اجتماعی، سیاسی و...) عمل می‌کنند. به بیانی روشن و خلاصه، تعامل دارای فرهنگ است (یعنی اصول، قواعد و ارزش‌هایی دارد) و فرهنگ تعامل جوامع نیز به دلایلی که توضیح داده شد، متنوع است. روشن است با در نظر گرفتن کارکردهای توسعه‌ای که برای رابطه اجتماعی سالم قائلیم، می‌توانیم میزان و نوع توسعه گروه‌ها و جوامع را نیز تبیین کنیم. از این نظر، وضعیت توسعه‌ای جوامع، تابعی است از وضعیت تعاملی بازیگران آن جامعه (فرهنگ تعامل).

به لحاظ تئوریک، شکل‌گیری و تداوم هر نوع ارتباطی، در گرو فرض وجود دو هستی یا دو عامل است که می‌تواند سطوح خرد، متوسط و کلان را در بر گرفته یا از تعاطی آنها رابطه جدیدی شکل دهد. از این رو چهار سطح تعامل می‌توان احصا کرد:

۱. **بین‌شخصی:** شامل تمامی تعاملات و مناسبات روزانه افراد با همدیگر در قالب نقش‌های مختلف اجتماعی (از قبیل والدین- فرزندان، رئیس- مرئوس و...) می‌شود؛
۲. **بین‌نهادی:** شامل تعاملات و مناسبات بین نهادهای مختلف اجتماعی، از قبیل دولت، دین، خانواده، آموزش، فراغت، اقتصاد و... می‌شود؛
۳. **بین‌گروهی:** شامل تعاملات و مناسبات بین هویت‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شود؛ به عنوان مثال تعاملات مربوط به گروه‌های قومی، نژادی، نسلی، زبانی، طبقاتی، تحصیلی، سکونتگاهی، ملیتی، مذهبی و...؛
۴. **ترکیبی:** از تعاطی بین سطوح مذکور پدیدار می‌شود.

بررسی داده‌های به دست آمده از مطالعات اجتماعی و حساسیت‌های نخبگان علمی و فرهنگی، و از سوی دیگر، وضعیت توسعه‌ای جامعه (به خصوص توسعه اجتماعی که معطوف به شکل‌گیری شبکه‌ها و انجمن‌های اجتماعی است)، نشان‌دهنده وجود آسیب‌های جدی درباره «فرهنگ تعامل» است؛ به این



معنا که بازیگران خرد و کلان در برقراری تعامل سالم در قبال دیگری، همواره حدی از عدم تعادل را در پیش می‌گیرند. از منظر اغلب شرق‌شناسان و صاحب‌نظران داخلی، «فرهنگ تضاد»، بخش قابل توجه آسیب‌های مرتبط با «فرهنگ تعامل» می‌باشد. فرامرز رفیع‌پور در اثر خویش با عنوان «دریغ است ایران که ویران شود»، یکی از علل عدم توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی را وجود چنین مسئله‌ای عنوان می‌کند. وجود خشونت و نزاع، خاص‌گرایی‌ها، خودمداری و انحصارگرایی، انشقاق‌ها و واگرایی‌ها در اغلب موضوعات و پدیده‌ها، همگی نشان‌دهنده فراگیری «فرهنگ تضاد» در جامعه ایرانی است.

علمای فلسفه، تضاد را «دو امر وجودی غیرمتضایف که در محل واحد، زمان واحد، و از جهت واحد با یکدیگر جمع نمی‌شوند» تعریف کرده‌اند (تفتازانی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۴۷). به‌طور طبیعی، تضاد، وجهی از جهان زیستی طبیعت و جامعه قلمداد می‌شود؛ ولی در تعریف تضاد باید به این امر توجه داشت که «تضاد» با «تفاوت» یکی انگاشته نشود. در لغت‌نامه دهخدا «تفاوت» به معنای متمایز و جدا از همدیگر است که صرفاً هویت، ظاهر و باطن غیرمشابهی دارد. بنابراین «تفاوت» به معنای گوناگونی و غیرمشابه بودن عنوان می‌شود. با این ملاحظه و تأکید قرآن کریم بر طبیعی بودن گوناگونی و تفاوت در خلقت و نهاد بشر (به‌عنوان مثال متذکر در آیه ۱۳ حجرات) می‌توان چنین برداشت کرد که «تفاوت»، روند طبیعی جامعه و جهان است؛ درحالی‌که در طول تاریخ، همواره انسان‌هایی بوده‌اند که تفاوت را به تضاد معنا کرده و بر مبنای یک‌سری از دلایل و توجیهات، به حذف تنوع و مقابله با آن اقدام می‌کنند. چنین رویه‌ای، خود را در قالب جنسیت، قومیت، نژاد، زبان، مصرف، طبقه، حزب و... عیان می‌سازد و در شکل‌های مختلف تکفیر، تخریب، تحریم، حذف، تهدید و تهمت نمود دارد؛ چراکه در این نوع از مواجهه، دیگری تحمل نمی‌شود و به‌مثابه امر حذف‌شدنی پنداشته می‌شود. درواقع منظور پژوهش از فرهنگ تضاد، معطوف به این رویه است که می‌توان در دو گزاره زیر تخلص کرد:

۱. فرهنگ تضاد به معنای میل به تضادآفرینی؛ ۲. فرهنگ تضاد به معنای عدول از آداب و قواعد تضاد.
- مراد از گزاره نخست، مصادره و برساخت امر متفاوت به‌مثابه امر متضاد، و گزاره دوم، معطوف به عدم رعایت آداب (مشروع و مطلوب) مواجهه با امر متضاد است که منجر به هزینه‌تراشی اضافی برای فرد و بازیگران مرتبط با ماجرا می‌شود. متناسب با منطق مطالعات آسیب‌شناسانه، مؤلف در این نوشتار، الگوهای تبیینی مسئله مذکور را شناسایی و ارائه، و سپس به‌فراخور فضای تبیینی ترسیم‌شده، راهکارهایی ارائه می‌کند. از این‌رو پژوهش در پاسخ به سؤالات ذیل تنظیم شده است:
- چه علل و عواملی در پیدایی و تشدید فرهنگ تضاد نزد ایرانیان مؤثر بوده‌اند؟
 - راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود چه می‌تواند باشد؟

۲. مبانی و ملاحظات نظری

متناسب با ماهیت مسئله، چارچوب نظری باید از یک سو، به نظریه‌های مرتبط با حساسیت‌های



فرهنگی اشاره کند و از سوی دیگر، بر نظریه‌های برساخت‌گرایی متمرکز شود. نظریه‌های نخست سعی دارند الگوهای مواجهاتی را که «تضاد و انکار» بخشی از آن است بررسی کنند. همچنین پژوهش حاضر برای بررسی و تبیین مکانیسم تبدیل «امر متفاوت» به «امر متضاد»، به نظریات برساخت‌گرایانه بیش از هر رهیافتی نیازمند است.

الف) تضاد به مثابه سنخی از حساسیت فرهنگی: میلتون بنت گونه‌شناسی انواع حساسیت‌های بین‌فرهنگی را بر مبنای توسعه ارتباطات گروه‌ها ارائه کرده است. حساسیت‌های بین‌فرهنگی، چارچوبی برای توصیف عکس‌العمل‌های افراد به تفاوت‌های فرهنگی است (عاملی و محمدخانی، ۱۳۸۷، ص ۴۴). او مدل خود را به شش مرحله شناختی و ساختاری تقسیم کرده که به صورت پیوستاری، از حساسیت‌های فزاینده به سوی نسبی‌گرایی فرهنگی، در حرکت است؛ یعنی حرکت تسلسل‌وار از قوم‌مداری به دیگرمداری که هر مرحله با انواع خاصی از نگرش‌ها و رفتارها در قبال تفاوت‌های فرهنگی توصیف شده است (فولر، ۲۰۰۷، ص ۳۲۴). در این فرایند شش مرحله‌ای، فرد به تدریج با وسعت بخشی به ارتباطات خود به تجربیات جدیدی نائل می‌شود و طبق آن، با انعطاف بیشتری به تعامل با اطرافیان می‌پردازد.

سه مرحله نخست از این مدل، شامل دیدگاه‌های قوم‌مدارانه، و سه مرحله آخر شامل نسبی‌گرایی قومی است. انکار تفاوت‌ها، دفاع از آنها، و کوچک‌شماری‌شان، سه مرحله اصلی قوم‌مداری‌اند. به طور کلی مراحل قوم‌مداری بیانگر این مسئله هستند که فرهنگ یک شخص به عنوان مرکز واقعیت عمل می‌کند؛ اما از طرف دیگر در نسبی‌گرایی فرهنگی، تجربیات افراد از فرهنگ خودشان، به شیوه‌ای منتقدانه در زمینه سایر فرهنگ‌ها بیان می‌شود.

حساسیت‌های بین‌فرهنگی میلتون بنت

قوم‌مداری			نسبی‌گرایی قومی		
انکار	دفاع	دست‌کم گرفتن	پذیرش	انطباق	ادغام
- عدم پذیرش تفاوت‌ها	- ارزیابی منفی از تفاوت‌ها.	- کوچک شمردن تفاوت‌ها، تلاش در جهت پراتنژ قرار دادن تمایزاتی چون رنگ و اصرار بر تشابهات	- ارزش قائل شدن و جهت‌گیری مثبت در قبال تفاوت‌های فرهنگی	- تلاش در جهت دیدن جهان از چشم دیگران و تلاش در جهت تغییرات نیت‌مندانانه در رفتارها و ارزش‌ها	- توانایی کسب و به‌کارگیری چارچوب‌های فرهنگی مختلف
- تنها حقیقت موجود فرهنگ تجربه‌شده وی است.	- کامیاب و عالی درون گروه و هویت دانی و پست دیگران.	- همه ما انسان‌ها بر مبنای ویژگی‌های فیزیکی مشابهی آفریده شده‌ایم. بنابراین خصایص بیولوژیکی، رفتارهای بنیادی مشخصی را بین فرهنگ‌ها دیکته می‌کنند.	- عدم ارزیابی تفاوت‌ها بر مبنای معیارهای درون‌گروهی	- رفتارها و ارزش‌ها متناسب با قواعد برون‌گروهی	- نهادینه شدن چارچوب‌های فرهنگی بیش از یک مورد
- تنها فرهنگ وی است که معتبر است - اندک تفکری به وجود دیگران نیز در این مرحله به ذهن خطور نمی‌کند.	- سه‌گونه نگرش: برتری، تحقیر و وارونگی	- جهان‌گرایی متعالی: با تأکید بر ارزش‌های جهانی	- پذیرش نسبییت فرهنگی در ابعاد رفتاری و نگرشی	- همدلی (توانایی بر خورداری از بدیل‌های نگرشی) و پلورالیسم (چندنگری فرهنگی)	



تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر فرهنگ تضاد در میان ایرانیان

قوم‌مداری		نسبی‌گرایی قومی		
انکار	دفاع	دست‌کم گرفتن	پذیرش	ادغام
پیامد: منجر به انزوای اجتماعی و فیزیکی می‌شود دو زیرگروه انزوا ^۱ و جداسازی ^۲ دارد.				پیامد: افراد در این مرحله در نقش حاشیه‌های فرهنگی ^۱ و تسهیل‌کنندگان انتقال فرهنگی ^۲ عمل می‌کنند

(بنت، ۱۹۹۳، ص ۲۱-۷۱)

ب) برساخت‌گرایی و تعریف تضاد: برساخت‌گرایی، یکی از رویکردهای نوین علوم اجتماعی است و در نقد رویکردهای ذات‌گرایانه مطرح گردید. این رویکرد، تمامی دانش و پدیده‌های انسانی را اموری برساخته می‌داند که این برساختگی نیز به‌گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین‌الذات‌ها می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۳۴). مباحث هستی‌شناسی به‌وضوح کانون اصلی توجه برساخت‌گرایان را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۶، ص ۳۲۴). بر این اساس، آنها از نظر هستی‌شناسی، واقعیت اجتماعی را اموری ذهنی قلمداد می‌کنند که از مجموع قواعد، احکام، انگاره‌ها و... تشکیل شده است که این مفاهیم در طول زمان و در یک فضای جغرافیایی خاص تکوین یافته‌اند و متأثر از فرایندهای مختلف بوده‌اند تا به فرم و ساخت فعلی درآمده‌اند (رشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷). این تغییر و اثرپذیری، امری ایستا نیست، بلکه دائم در حال دگرگونی و بازتولید است. به همین سبب، برساخت‌گرایان، جهانی اجتماعی را در حال شدن می‌بینند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴). همان‌گونه که کابالکوا می‌گوید، برساخت‌گرایان، جهان و ازجمله جهان بین‌المللی را یک «پروژه برساختن بی‌پایان» می‌دانند که برساختن آن بر زمینه‌ای از ادراکات و تلقی‌های زمینه‌مند فراهم می‌آید (همان). این ادراکات در حال تغییر در هر برهه زمانی و در فضای جغرافیایی، فرم‌هایی از تصورات و انگاره‌ها را به دست می‌دهند که برساننده هویت افراد و گروه‌هاست. بدین وسیله، موجود خودآگاه، به تاریخ، حافظه جمعی مشترک، جایگاه سرزمینی، فرهنگ و... اشاره می‌کند و خود را از دیگرانی که صاحب این خصیلت‌ها نیستند، متمایز می‌کند (رشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰). این هویت‌ها خود زاده نظام نهادینه‌شده ساختارهای

1. Cultural Marginal
2. Facilitators of Cultural Transition.
3. Isolation.
4. Separation.

اندیشه‌ای هستند که در کنار ساختارهای مادی اهمیت دارند و این از آن‌روست که نظام‌های معنایی، تعیین‌کننده چگونگی تفسیر کنشگران از محیط خودشان هستند (پرایس و اسمیت، ۱۳۸۶، ص ۵۱۹). اهمیت این نظام‌های معنایی به حدی است که یک کنشگر حتی قادر به عمل به صورت هویت خودش نخواهد بود، مگر زمانی که به قول کارل دوپیچ، جامعه معنایی مربوطه، مشروعیت آن کنش توسط آن کنشگر را در آن بافت اجتماعی، به رسمیت شناخته باشد. قدرت عمل، قدرت تولید معنایی بینادهنی در دل یک ساختار اجتماعی است. رویه‌های اجتماعی به همان میزان که روا می‌دارند، منضبط می‌سازند و انتظام می‌بخشند (Ashley, 1987: 409).

امر متضاد و متفاوت نیز یک امر بین‌الذهانی و ناشی از تعامل بین کنشگران است. در جریان مواجهه کنشگران با یکدیگر در طول زمان، نوعی از آگاهی به پدیدارها شکل می‌گیرد. این آگاهی سبب شکل‌دهی به رفتارهای متقابل و مجدد آنها می‌شود.

مطالعه نظریات برساخت‌گرایی نشان می‌دهد که چگونگی تعریف واقعیت‌های اجتماعی و به‌ویژه کسانی که آن تعریف را ارائه می‌دهند، در شکل‌گیری مسئله و تبدیل یک موضوع به مسئله نقش مهمی دارد. از این منظر، «امر متضاد» برساخته‌ای است که در فرایند شکل‌گیری آن، برخی نیروها و گروه‌ها با توسل به ابزارها، مؤلفه‌ها، شواهد و موقعیت‌هایی، پاره‌ای مسائل و رفتارها را به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که برداشت و ذهنیت ما از آنها در قالب «امر متضاد» شکل بگیرد؛ زیرا همان‌طور که برگر و لاکمن می‌گویند، تمرکز اصلی این رویکرد بر تأمل و مکاشفه در رویه‌ها و استراتژی‌هایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی به‌واسطه آنها در خلق معانی جهان اجتماعی پیرامونشان مشارکت می‌کنند (Berger & Luckmann, 1976).

پاور عیوضی در رساله دکترای خویش (۱۳۹۷) با وارد کردن نقدهای چندگانه به الگوی مطالعاتی میلتنون بنت، الگوی مواجهاتی یازده‌گانه‌ای را ارائه می‌کند. فارغ از اینکه این حساسیت‌ها بین‌گروهی یا بین‌الذهانی باشد، در یک سو، خودمداری، و در سوی دیگر، دیگرمداری قرار می‌گیرد. با در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی و دینی، از عناصر متشکله «فرهنگ تعامل مطلوب» می‌توان به میل به پذیرش دیگری، صبر، مدارا، تکریم، صداقت و فضای عاری از خشونت و افراط، اشاره داشت. منطبق با این الگو، در صورت عدول از تنوعات جزئی و سطحی بین نوع مواجهات، می‌توان سه سنخ از الگوی مواجهه‌ای را در قبال «دیگری» تشخیص داد: خودمداری، شناسایی، و دگرمداری. منطبق با این الگو، از نظرگاه گزارش حاضر، به غیر از الگوی «شناسایی»، سایر الگوها، از حالت اعتدال و مطلوب دور شده، تحت عنوان افراط و تفریط یاد می‌شوند و می‌توان از آنها با عنوان «فرهنگ انحرافی تعامل» یاد کرد. «فرهنگ تضاد» مطابق با تعریف صورت‌گرفته به‌عنوان بخشی از «فرهنگ انحرافی تعامل» معطوف به خودمداری است که نمودی چهارگانه دارد. به عبارتی، «دیگری» که از جانب کنشگر به‌عنوان «امر متضاد» تعریف می‌شود، همواره توأم با نیت‌های خودمداری و انحصارگرایی‌ها بوده که می‌تواند خروجی‌های متنوعی از

تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر فرهنگ تضاد در میان ایرانیان

انزوا، جدایی‌گزینی، تحریف و مصادره و طرد و انکار به همراه داشته باشد. بنابراین کنشگر، متأثر از زمینه‌ها و عادت‌واره‌های منبعث از آنها، به درکی متضاد از امر متفاوت نائل شده، به فراخور امکان‌ها و محدودیت‌های ساختاری، به یکی از الگوهای مواجهاتی چهارگانه میل پیدا کند.

الگوی مواجهاتی در قبال دیگری

خودمداری		شناسایی		دیگرمداری							
طرد و انکار	تحریف و مصادره	جدایی‌گزینی	انزوا	پذیرش مثبت	وضعیتی	پذیرش مثبت	دست‌کم گرفتن	انطباق	ادغام	وارونگی	
<p>نادیده‌انگاری و عدم پذیرش تفاوت‌ها - تنها حقیقت موجود فرهنگ تجربه شده وی است - تنها فرهنگ وی است که معتبر است - اندک تفکری به وجود دیگران نیز در این مرحله به ذهن خطور نمی‌کند - طرد و انکار می‌تواند تمامی موجودیت دیگری را در بر بگیرد یا بخشی از آن را.</p> <p>پذیرش تفاوت بین خود عالی و دیگری دانی - بازنگری در مولفه‌ها و شناسه‌های هویت‌بخش خود و دیگری - نماینداری مثبت تمام با تقسیمی برای عناصر هویت‌بخش خودی و منفی‌نگری، تحقیر، تمسخر و طعنه در خصوص عناصر هویت‌بخش دیگری.</p> <p>پذیرش تفاوت بین خود عالی و دیگری دانی - تأکید بر جدایی فضایی، سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی - تأکید بر مرزبندی‌های هویتی - پیدایی اختلافات در عناصری چون اسطوره‌ها، مرزهای سرزمینی و منابع جمعیتی</p> <p>پذیرش تفاوت بین خود عالی و دیگری دانی - تأکید بر حقوق دیگران - عناصر ذهنی مثبت نسبت به عناصر هویتی خودی و نگرش خنثی به غیرسرزمینی باشد. - دوران موقتی برای قدم نهادن در دیگر مراحل (قبل و بعد) است.</p> <p>پذیرش تفاوت بین خود و دیگری - شناسایی نیازها و حقوق دیگران - عناصر ذهنی مثبت نسبت به عناصر هویتی خودی و نگرش خنثی به دیگری - طبیعی انگاشته شدن نوع و گونه‌انگیزی و متعاقباً حق متفاوت بودن.</p> <p>پذیرش وجود دیگری - جهت‌گیری‌های سیال، ناپایدار، گریزنی، غیر تقلیدی و منعطف‌گرایانه نسبت به منابع هویتی - تعقل به جای تلقین و تعهد صرف - متأثر از وضعیت ساختاری</p> <p>ارزش قائل شدن و جهت‌گیری مثبت به تفاوت‌های فرهنگی - عدم ارزیابی تفاوت‌ها بر مبنای معیارهای درون‌گروهی - پذیرش نسبییت فرهنگی در ایجاد رفتاری و نگرشی</p> <p>کوچک شمردن تفاوت‌ها، تلاش در جهت برابری قرار دادن تمایزاتی چون رنگ و اصرار بر تشابهات - جهانگرایی فیزیکی: بر این مبنا که همه‌ی ما انسان‌ها بر مبنای ویژگی‌های فیزیکی مشابهی آفریده شده‌ایم، بنابراین خصایص بیولوژیکی رفتارهای بنیادی مشخصی را بین فرهنگ‌ها دیکته می‌کنند - جهانگرایی مثالی: با تأکید بر ارزش‌های جهانی</p> <p>تلاش در جهت دیدن جهان از چشم دیگران و تلاش در جهت تغییرات نیت مندا نه در رفتارها و ارزش‌ها متناسب با قواعد برون‌گروهی - همدلی (توانایی بر خورداری از بدیل‌های نگرشی) و پلورالیسم (چندنگری فرهنگی)</p> <p>توانایی کسب و یکنواختی چارچوب‌های فرهنگی مختلف - نهادینه شدن چارچوب‌های فرهنگی بیش از یک مورد</p> <p>خودباختگی یا از خودبیگانگی قومی و گرایش مفرط به عناصر و منابع معنایی دیگری - تمایل به روگردانی از عناصر هویتی خود دانی به هویت دیگری عالی - مبتنی بر تجربه فشار قومی و تمایل نداشتن به عضویت در قوم خودی</p>	<p>پیامند: تقویت پیوندهای ذهنی و عینی درون‌گروهی، تضعیف پیوندهای ذهنی و عینی برون‌گروهی، میل پیدا کردن کنشگران قومی به ارزش‌ها و هنجارهای فراقومی، دفاع از نظام هنجاری و ارزشی هویت ملی و اتخاذ روش‌های مدنی و قانونی برای حصول به مطالبات</p>										
<p>پیامند: تقویت پیوندهای ذهنی و عینی درون‌گروهی، تضعیف پیوندهای ذهنی و عینی برون‌گروهی، میل پیدا کردن کنشگران قومی به ارزش‌ها و هنجارهای درون‌قومی، مشروعیت روش‌های مقاومتی و تهاجمی مبتنی بر خشونت و قانون‌گریزی</p>		<p>پیامند: تقویت پیوندهای ذهنی و عینی درون‌گروهی، تضعیف پیوندهای ذهنی و عینی برون‌گروهی، میل پیدا کردن کنشگران قومی به ارزش‌ها و هنجارهای درون‌گروهی، مشروعیت روش‌های مقاومتی و تهاجمی مبتنی بر خشونت و قانون‌گریزی</p>		<p>پیامند: تقویت پیوندهای ذهنی و عینی درون‌گروهی، تضعیف پیوندهای ذهنی و عینی برون‌گروهی، میل پیدا کردن کنشگران قومی به ارزش‌ها و هنجارهای فراقومی، دفاع از نظام هنجاری و ارزشی هویت ملی و اتخاذ روش‌های مدنی و قانونی برای حصول به مطالبات</p>		<p>پیامند: تقویت پیوندهای ذهنی و عینی درون‌گروهی، تضعیف پیوندهای ذهنی و عینی برون‌گروهی، میل پیدا کردن کنشگران قومی به ارزش‌ها و هنجارهای فراقومی، دفاع از نظام هنجاری و ارزشی هویت ملی و اتخاذ روش‌های مدنی و قانونی برای حصول به مطالبات</p>		<p>پیامند: تقویت پیوندهای ذهنی و عینی درون‌گروهی، تضعیف پیوندهای ذهنی و عینی برون‌گروهی، میل پیدا کردن کنشگران قومی به ارزش‌ها و هنجارهای فراقومی، دفاع از نظام هنجاری و ارزشی هویت ملی و اتخاذ روش‌های مدنی و قانونی برای حصول به مطالبات</p>		<p>پیامند: تقویت پیوندهای ذهنی و عینی درون‌گروهی، تضعیف پیوندهای ذهنی و عینی برون‌گروهی، میل پیدا کردن کنشگران قومی به ارزش‌ها و هنجارهای فراقومی، دفاع از نظام هنجاری و ارزشی هویت ملی و اتخاذ روش‌های مدنی و قانونی برای حصول به مطالبات</p>	

۳. روش‌شناسی

تحلیل مضمون، یکی از روش‌های پژوهش با رویکرد کیفی محسوب می‌شود که در پی کشف معانی و مقاصد پنهان، با استفاده از تکنیک دسته‌بندی و مقوله‌بندی است. مضمون تم (Theme) عنصر کلیدی در این روش است. مضمون‌ها پرارزش‌ترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مد نظر قرار گیرند و منظور از مضامین، معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. عابدی و همکاران، فرایند انجام تحلیل مضمون را بدین نحو صورت‌بندی می‌کند.

مرحله	آشنا شدن با متن	اقدام
۱. تجزیه و توصیف متن	۱. آشنا شدن با متن	- مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم) - مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها - نوشتن ایده‌های اولیه
	۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	- پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین - تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر - کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳. جستجو و شناخت مضامین	- تطبیق دادن کدها با قالب مضامین - استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن - پالایش و بازبینی مضامین
۲. تشریح و تفسیر متن	۴. ترسیم شبکه مضامین	- بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج - مرتب کردن مضامین - انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر - ترسیم نقشه مضامین - اصلاح و تأیید شبکه مضامین
	۵. تحلیل شبکه مضامین	- تعریف و نام‌گذاری مضامین - توصیف و توضیح شبکه مضامین
۳. ترکیب و ادغام متن	۶. تدوین گزارش	- تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن - استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها - مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری - نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

ابزارهای به‌کارگرفته‌شده در این شیوه پژوهش، قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین است که به‌طور معمول در تحلیل مضمون به‌کار می‌روند. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به‌صورت



تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر فرهنگ تضاد در میان ایرانیان

سلسله‌مراتبی بازگو می‌کند؛ و منظور از شبکه مضمون، منظم‌سازی مضامین اساسی (کدهای کلیدی و نکات کلیدی متن) و سازماندهی مضامین (دسته‌بندی مقولات و مضامین حاصل از ترکیب زیرمقولات) است. نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰)؛ به عبارتی، ترسیم نقشه مضامین و تصویرسازی روابط بین آنهاست. جهت تحلیل و ترسیم شبکه مضامین می‌توان از نرم‌افزارهای مختلف کیفی بهره برد که در گزارش حاضر، از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. مکانیسم کدگذاری در نرم‌افزار از همان منطق کدگذاری دستی بهره می‌برد. بنابراین سنجش احتمال خطای ناشی از کدگذاری بین نتایج حاصل از کدگذاری دستی و نرم‌افزار موضوعیت نیافت؛ و از طرف دیگر، برای سنجش اعتبار پژوهش، از روش آزمون بازآزمون استفاده، و نتایج این دو کدگذاری با بهره‌گیری از روش هولستی مقایسه شد. با توجه به اینکه توافق کدگذاری به‌طور متعارف بالای هفتاد درصد قابل اتکاست، عدد به‌دست‌آمده (۹۱) قابل قبول تلقی می‌شود.

$$PAO = \frac{2M}{n1+n2} = 2 * \frac{114}{125+125} = 0/91$$

واحد‌های تحلیل در وهله نخست اسناد پژوهشی مرتبط با فرهنگ تضاد می‌باشند که به‌نحوی به بخشی از مسئله پرداخته‌اند؛ سپس نیازها و خلأهایی که در ابعاد مختلف احساس شدند، مصاحبه‌های نخبگان را شکل دادند. درحقیقت به فراخور نیازهای پژوهشی ابعاد مسئله در مصاحبه با نخبگان، آسیب‌شناسی شد. از این رو پانزده منبع پژوهشی و یازده مصاحبه به‌عنوان واحد‌های بررسی (جامعه نمونه) بررسی شدند. شیوه نمونه هم به‌اقتضای روش پژوهش کیفی از نوع نمونه‌گیری نظری است؛ به این معنا که نمونه‌ها به‌فراخور نیازهای پژوهشی تا جایی که یافته‌ها به حد اشباع برسند، به‌صورت هدفمند انتخاب و بررسی می‌شوند.

جامعه نمونه در این پژوهش عبارت‌اند از:

اسناد پژوهشی	مصاحبه‌ها
۱. حسین دهقان و همکاران (۱۳۹۹). تشابه و تضاد ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده و مدرسه و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان	۱. ابراهیم فیاض
۲. وحید قاسمی (۱۳۷۸). انحصارگرایی فرهنگی و مخاطرات احتمالی آن	۲. ابراهیم محمدپور زنجانی
۳. مهدی طالب و همکاران (۱۳۹۶). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی	۳. جلیل بیگی
۴. مقصود فراستخواه (۱۳۹۴). ما ایرانیان؛ زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایران	۴. حسین محمدی‌سیرت
۵. محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۹۴). خلیقات منفی ایرانیان؛ خصلت ملی یا وضعیت اجتماعی؟	۵. رسول داداشی آذر
۶. امید قادرزاده و همکاران (۱۳۹۱). حساسیت بین فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران.	۶. سید محمدصادق کاظمی
۷. زهرا ممتاز (۱۳۹۴). سبب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی بخش تعاون.	۷. شمس‌الله مریجی
	۸. علی هاشمی
	۹. محمدتقی دشتی
	۱۰. مصطفی غفاری



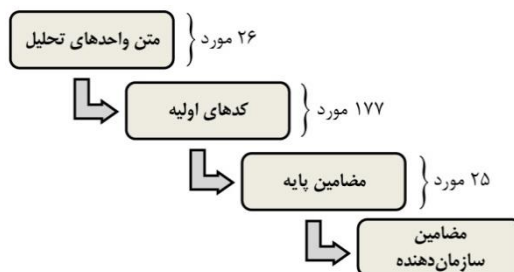
مصاحبه‌ها	اسناد پژوهشی
۱۱. مهدی فرمانیان	۸. مریم مؤمنی (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی رابطه الگوهای دین‌داری با انواع مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز
	۹. مریم قاضی‌نژاد و الهه سادات اکبرنیا (۱۳۹۶). دین‌داری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی.
	۱۰. علی اصغر فیروزجائیان (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین‌فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی.
	۱۱. سیدصمد بهشتی و یاسر رستگار (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی.
	۱۲. مجتبی ترکارانی (۱۳۸۸). بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان.
	۱۳. امید قادرزاده و یوسف نصرالهی (۱۳۹۷). مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی.
	۱۴. سید حسین سراج‌زاده (۱۳۹۳). بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی.
	۱۵. افق مکت (۱۳۹۹). گزارش راهبردی فرهنگ تکفیر.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. گام نخست: استخراج مضامین اساسی از کدهای اولیه

با توجه به منطق روشی در پژوهش حاضر، استخراج نتایج از دل اسناد پژوهشی و مصاحبه‌نامه‌ها گام نخست محسوب می‌شود. جهت رعایت ایجاز از طرفی و امانت‌داری مضامین از طرف دیگر، سعی شد مفاهیم حساس برانگیز تا حد ممکن از دل محتوای مصاحبه‌شونده‌ها انتخاب و استفاده شود. در این گام، گزاره‌ها و مصادیق به نمایندگان مفهومی خویش تبدیل شدند. در جدول ذیل، متناسب با روند پژوهش، نقشه مربوط به کدهای اولیه و استخراج مضامین از خلال آنها ترسیم شده است.

مسیر حصول به مضامین سازمان‌دهنده



همچنان‌که در نمودار فوق مشخص شده، گام نخست، فرایند تبدیل کدهای استخراجی به مضامین پایه می‌باشد. به‌لحاظ آماری ۱۷۷ کد در این خصوص به ۲۵ مضمون مناظر تبدیل شده‌اند.

تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر فرهنگ تضاد در میان ایرانیان

ردیف	مضامین پایه	کدهای اولیه
۱	تغییرات فرهنگی حول تضاد	معنی‌شناسی مدارا به‌مثابه شکست (تسری معنای شکست در عرصه نظامی به حوزه‌های غیرنظامی) تضادآفرینی به‌مثابه حربه دفاع از خود حمایت‌شدگی تکروی و جمع‌گریزی توسط برخی از خوانش‌های دینی تلقی مثبت از خشونت (به‌خصوص در موضوعات ناموسی) و خودمداری (خصلت مردانگی) نقش حمایتگری زبان و ادبیات عامه از خودمداری عمل تضادگونه به‌مثابه شیوه اعتراض در غیاب مسیرهای مشروع اعتراض
۲	پیدایی جنبش‌های خاص‌گرایانه	بنیادگرایی مذهبی اجتماعات محافظه‌کار
۳	ترس افراطی از ظهور استبداد	تجارب (باواسطه یا بدون واسطه) بی‌ثباتی و ناامنی اضطراب وجودی
۴	سرمایه فرهنگی پایین	وابستگی مذهبی بالا هوش فرهنگی پایین الگوی مصرف رسانه‌ای انحرافی (رژیم رسانه‌ای انحصارگرایانه) میزان پایین مصرف رسانه تحصیلات پایین والدین تحصیلات پایین
۵	انحصارگرایی هویتی	الگوی انحرافی دین‌داری (نقش قدرت و ثروت در تفاسیر، خودآجتهدای، شیعه‌گرایی در مقابل شیعه‌شدگی، چهل معرفتی و فلسفی دین‌داری، ضعف بعد اخلاقی دین‌داری، دین‌داری احساس‌محور، اخباری‌گری، رویکرد تضعیف علم کلام، بی‌توجهی به بعد پیامدی دین‌داری یا دین اجتماعی، دین‌داری سنتی، دین‌داری سیاسی) غرور و استکبار فرهنگی مفرط توقعات افراطی از دیگری دین‌داری انحصارگرا افراطی‌گری دینی (رهاشدگی فضای حوزه به‌نفع جریان افراطی، تقویت نگاه متصلب شریعت‌گرایانه، ارزش‌گذاری مثبت حول تکفیر، نقش اغراض غیردینی، نقش مدارس وهابی، جذابیت‌های ایدئولوژیکی و هویتی، توجیحات انحرافی دینی، نقش نخبگان تندرو، تعمیم تصویر فرقه‌های افراطی به کل مذهب) انحصارگرایی در قدرت (احزاب و جریان‌های سیاسی تمامیت‌خواه، بیگانگی دولت از مردم، نگاه رعیتی به مردم (در مقابل نگاه شهروندی)، تعریف گروه‌های متفاوت سیاسی به‌عنوان ضد نظام) بازنمایی انحصارگرا از دین و حقیقت نژادپرستی و جامعه‌پذیری قومی روایت‌های یک‌طرفه و غیرمنصفانه تاریخی از خود و دیگری ریشه دواندن تصورات قالبی علیه گروه‌هایی
۶	قبیله‌گرایی	نقش ایستارها و تنه‌شست‌های طایفه‌ای روابط اجتماعی تنگ‌دامنه خویشاوندمحور تداوم روحیه جنگاورانه ایلی ناشی از محدودیت منابع جمع‌گرایی عمودی سلسله‌مراتب مبتنی بر سن و خون اعتماد معطوف به خویشاوندی نقش خون در تعریف خودی بیگانه نگاه مثبت به پارامترهای مرتبط با استبداد نقش سنن و آداب قبیله‌ای



ردیف	مضامین پایه	کدهای اولیه
۷	استعمار حوزه عمومی توسط سیاست	عدم توفیق در سهیم کردن افراد در تجارب و احساسات مشترک عدم توفیق در ملت‌سازی و ملی کردن هویت ملی
۸	سیاست هویت انحرافی نزد نظام تبلیغ	نفوذ غیر مؤثر و ناکارآمد نهادهای تربیتی در جامعه فقدان سیاست فرهنگی منسجم در قبال مهاجران روستایی جامعه‌پذیری ناقص معنی‌شناسی افراطی از تساهل و مسامحت عدم تمرکز حول مختصات شخصیت توسعه‌یافته تضعیف اشتراکات هویتی (عدم برخورد با عناصر حساستزا، عدم پالودن دین عرفی از عناصر حساسیت‌زا) عدم بازنمایی فرصت پیشرفت فارغ از تمایزات اقلیتی و اکثریتی عدم ارائه فعالیت‌های مشارکت‌طلبانه بین فرهنگی عدم ارائه وابستگی متقابل مثبت بین فرهنگی عدم بازنمایی مثبت از مواجهات بین فرهنگی
۹	نیروهای اجتماعی نامتساهل	عوام‌زدگی نخبگان تضاد در اندیشه و اعمال گروه‌های مرجع تکفیر و دیگری‌سازی برخی از مذهبیبون استفاده ابزاری سیاست‌مداران از تضاد آفرینی برای بسیج جامعه ترویج تضاد و انتقام‌گیری از منش مسئولین اشاعه فرهنگ تضاد انحرافی از جانب رسانه ملی فاقد جایگاه بودن اخلاق در برنامه‌های پنهان و رسمی حوزه و دانشگاه محیط خشن و نامتساهل دانشگاهیان روشنفکران نامتساهل و تمامیت‌خواه اپوزیسیون نامتساهل حاکمیت گفتمان قدرت به‌جای گفتمان پاسخگویی در میدان‌های رسمی
۱۰	جامعه‌پذیری ابتدایی نامتساهل	فقدان آشنایی با سبک زندگی دموکراتیک عدم تجربه امر متفاوت (طبیعی نبودن امر متفاوت) عدم آموزش نقد و آداب آن عدم آموزش تاب‌آوری اجتماعی تعریف دیگری غریبه به‌عنوان دشمن عدم آموزش چگونگی درک و تطبیق با دیگری متفاوت ارائه جهان‌بینی انحصارگرا عدم آگاهی از منافع جامعه آموزش خودمحوری عدم آموزش قانون‌گرایی و ضرورت قانونمندی فقدان فرهنگ و مهارت گفتگو جهت حل مناقشات الگوی مجاب‌سازی مبتنی بر زور و قدرت آموزش بیرونی بودن اعتبار فاقد جایگاه بودن مهارت‌محوری در تربیت (توافق‌پذیری، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، باز بودن و...) آموزش دین‌داری سکولار فرهنگ فراقلمنی و انگ‌زنی فرهنگ تغذیه ناسالم (ارزش‌گذاری حول غذاهای سردی)



تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر فرهنگ تضاد در میان ایرانیان

ردیف	مضامین پایه	کدهای اولیه
۱۱	جامعه‌پذیری سیاسی نامتساهل	نقش تعلقات و منافع سازمانی و جناحی جامعه‌پذیری سیاسی غیردموکراتیک (محدود، تبعی و استبدادی) عدم آگاهی سیاسی
۱۲	ته‌نشست‌های مرتبط با جامعه استبدادزده	خاطرات و تجارب منفی از تعاون و تساهل در جامعه انگاره ماهیت قومی حکومت و بیگانه‌پنداری آن تجربه استبداد و نگاه مثبت بخشی از جامعه به پارامترهای مرتبط با آن ناپایداری و تجربه نامنی تجارب منفی اعتماد به جامعه و حکومت
۱۳	زیست در خانواده متزلزل	روابط اجتماعی محدود در خانواده عدم حمایت‌شدگی فرد از جانب اعضای خانواده تضاد بین اعضای خانواده بدرفتاری والدین فروپاشی خانواده
۱۴	قطاعی شدن جامعه	چندپارگی فرهنگی احساس انومی کاهش تفاهمات مشترک فرهنگ تمایز ادراکی بین افراد جامعه
۱۵	مدرنیته	فست‌فودی شدن سبک زندگی و موضوعیت نداشتن بردباری شهرهای بیگانه با عصبیت‌های روستایی اشاعه عقلانیت ابزاری برجسته‌شدن مؤلفه فرهنگی دگراندیشی و دگربودگی از دست رفتن فردیت انسان (فرهنگ توده‌ای و همگون‌کننده) تهی شدن انسان مدرن از روحیه مقاومت و انتقاد حمایتگری از رهبران پوپولیست (مقصرسازی بیگانگان، کسب حمایت ناراضیان توسط حربه شعار، ایجاد مرزبندی‌های اجتماعی توسط نیروی حاکم) دستکاری جهت ناراضیاتی‌ها هویت معطوف به نمایش مصرف ترویج خشونت و تضاد نهادی‌شده توسط صنعت فرهنگ سرمایه‌داری
۱۶	اثر عارضی انقلاب اسلامی	دگرسازی و واگرایی به‌عنوان اقتضای دوران پس‌انقلاب اثر حساسیتی شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر پایه تشیع مواجهه ناخواه برخی آرمان‌ها با منافع ملی اثر حساسیتی ظهور گروه‌های تندرو در منطقه توزیع سرمایه‌ها و منابع حول ارزش‌های انحصاری تقویت خودبه‌خودی پیوندهای درون‌گروهی اقلیت‌ها اثر عارضی حضور روحانیون شیعی در مناصب
۱۷	احساس نامنی	نامنی و ناپایداری ساختاری فزاینده شیوه تصدی مناصب توسط مسئولین (غارت‌گرایانه، انحصارگرایی، جنگاورانه و...) غریبه‌پنداری حکومت فقدان همت حاکمان به اعتمادافزایی استبداد دیوانی (نگاه رقیبانه دولت به ملت، نظام سیاسی غیرپاسخگو، تک‌روی دولت در تصمیمات).



ردیف	مضامین پایه	کدهای اولیه
۱۸	تراکم نارضایتی	محروریت نسبی (ناکامی‌ها، مشکلات معیشتی، فزونی زمینه‌های نارضایتی و آگاهی از محرومیت‌ها) احساس حقارت (حقارت ناشی از استبداد، حقارت ناشی از تسلط دشمنان) احساس بی‌عدالتی (ضعف مسیرهای قانونی برای احقاق حقوق، ناعدالتی‌های منطفه‌ای، قومی، طبقاتی، جنسیتی و...) مفاسد اداری (احساس فساد) نابسامانی‌های اخلاقی (عدم درک پیامدهای دعاوی و کنش‌ها، عدم صداقت مسئولان)
۱۹	عدم حمایت‌شدگی مدارا	حمایت‌شدگی فردگرایی توسط نظام تبلیغ، مشاوره و تربیت فقدان زمینه‌های فعالیتی مبتنی بر گروه و تعاون فروپاشی ساختارهای سنتی ایلی در شرایط عدم جایگزینی فرهنگ مدنی جمع‌گرا عدم توزیع انگیزه‌بخش‌ها متناسب با رفتار مبتنی بر همکاری
۲۰	ساختار حقوقی و قانونی نامتساها	عدم حمایت‌شدگی گوناگونی در نظام حقوقی رویکرد مچ‌گیری در نظارت‌ها و مواجهات با مردم (سیاست عمری) تشتت مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری ایستای قوانین بر انحصارگرایی حاکمیت حساسیت‌های افراطی امنیتی بر قوانین تعامل با برون‌گروه فقدان زیرساخت‌های حقوقی منصفانه و شفاف برای رقابت سیاسی نقش وابستگی‌های مذهبی در توزیع قدرت و مواجهات با اقلیت‌ها هزینه‌زا نبودن اهانت و تکفیر ضعف نظام قضایی و قانونی در حمایت از حقوق شهروندی طرح آسان دعاوی بی‌پایه عدم نهادی شدن حق اعتراض امنیتی دیدن اعتراض و اختلاف‌نظر
۲۱	فقدان فضای نقد و گفتگو	رسانه غیردموکراتیک عدم بهره‌گیری از تکنیک‌های اقناعی در گفتگوها عدم احساس نیاز قدرت به گفتگو با مردم
۲۲	جای خالی نهادهای مدنی	فاقد جایگاه بودن نهادهای مدنی در جامعه ضعف جامعه در مقابل سیاست
۲۳	سرمایه اجتماعی پایین	پایین بودن اعتماد نهادی (درک منفی از نهادهای اجتماعی و بی‌اعتقادی به عدالت در امور) اعتماد تعمیم‌یافته پایین (بی‌اعتمادی در معاملات، درک منفی از جامعه، منحصر بودن دایره اعتماد به خویشان) تعهد پایین اجتماعی به جامعه رضایت اجتماعی پایین ضعف در آگاهی اجتماعی (انحصارگرایی شناختی) پیوند و مشارکت اجتماعی پایین (میزان تماس بین‌فرهنگی، میزان عضویت سازمانی، فعالیت مدنی اعضای خانواده، عضویت در گروه‌های با ساختار افقی، کیفیت کنش فرد در انجمن‌ها ارادی، عضویت چندگانه در گروه‌ها) احساس ناامنی (ترس از مشارکت در عرصه، ترس از آینده)
۲۴	تهاجم نرم	ایجاد فضای تشکیک و ابهام رخنه ماشین دگرسازی به مراکز تربیتی ارائه خوانشی افراطی از تشیع و سایر عناصر هویتی جامعه برجسته‌سازی حوادث حساسیت‌زا طرح فضای بدیل با ارائه جذابیت‌های زیستی جهت‌دهی تضاد علیه خودی جذب، پرورش و استفاده از نظریه‌پردازان حامی تضاد تحریم و ایجاد موانع برای کارآمدی دولت حمایت از تشکیلاتی کردن اهالی تضاد تعمیم‌دهی برخی از افراطی‌گرایی‌های اشخاص به کل نظام دامن زدن به اختلافات و حساسیت‌ها پاره‌گویی اظهارات نمایندگان گفتمان رسمی معرفی اهل تخصص به‌عنوان قهرمان مشروعیت‌بخشی به رویه تهاجمی به‌مثابه دفاع



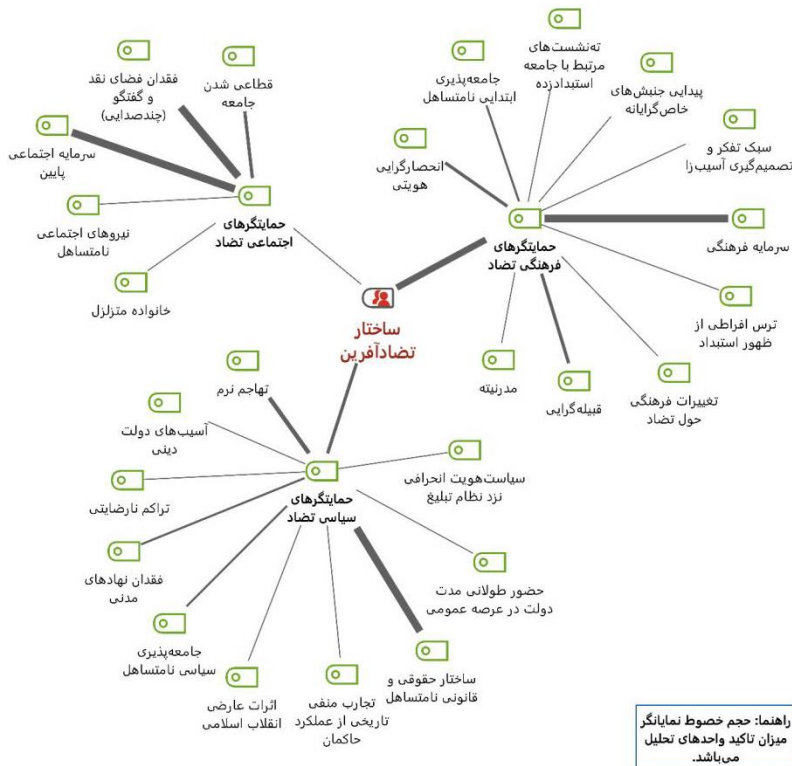
تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر فرهنگ تضاد در میان ایرانیان

ردیف	مضامین پایه	کدهای اولیه
۲۵	سبک تفکر و تصمیم‌گیری آسیب‌زا	احساس محوری و کم‌رنگی عقلانیت الگوی تصمیم‌گیری دوگانه صفر و یک

۴-۲. گام دوم: استخراج مضامین سازمان‌دهنده

در گام نخست، از دل مصادیق و گزاره‌های ارائه‌شده، کدهای اولیه و سپس مضامین پایه با تأکید بر حساسیت‌های مفهومی خود مصاحبه‌شوندگان انتخاب شدند؛ اما در گام دوم، با توجه به معیارهای تشابه‌بخش و تمایزبخش، مضامین پایه ذیل مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی شدند. به عبارتی، دلایل و عوامل مطرح‌شده جهت نظم‌بخشی به فضای تبیینی یک سطح بالاتر انتزاع پیدا کرده‌اند. در این مرحله ۲۵ مضمون پایه استخراج شدند که می‌توان آنها را با در نظر گرفتن منطق پژوهش در سه مضمون سازمان‌دهنده صورت‌بندی کرد. در شکل زیر، شبکه مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده ترسیم شده است.

شبکه مضمونی فرهنگ تضاد



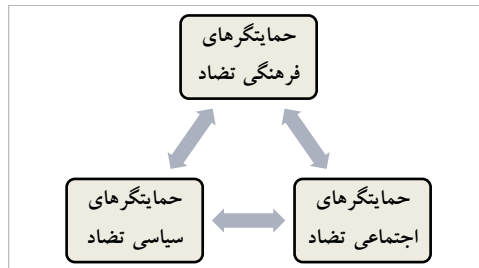
راهنما: حجم خطوط نمایانگر میزان تأکید واحدهای تحلیل می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

میل به تضادآفرینی و مراعات نکردن آداب مشروع تضاد، هستی هر جامعه و موجودیت اجتماعی را نشانه گرفته و از رهگذر چنین مکانیسمی، پیامدهایی چندگانه در سطوح خرد، نهادی و کلان، قابل تصور است. زوال هم‌گرایی‌ها در سطوح مختلف، تضعیف فرایندها و پروژه‌های جمعی، افزایش منازعات در عرصه‌های مختلف خانواده، جامعه، دولت و...، تخریب منابع معنابخش اظهارشده (مثل دین)، ناامنی و ترس از حضور در جامعه، میل به خروج از گروه و مهاجرت، خشک شدن زمینه توسعه علم و اندیشه، افزایش دروغ‌گویی، تقویت انواع فساد و آلودگی‌ها، بی‌اعتمادی و زوال سرمایه اجتماعی، تقویت روحیه انزواطلبی و انفعال، افزایش هزینه‌های امنیتی، قطبی شدن مواجعات و برخوردها، کشتار بی‌گناهان، افزایش گروه‌های ناراضی، زمینه‌سازی برای حذف دلسوزان و تقویت جبهه نیروهای خنثی، بی‌ثباتی سیاسی، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، هدر رفتن ظرفیت توسعه جامعه مدنی، کاهش توان ظرفیت انسانی، و هدر دادن بخش‌هایی از سرمایه‌های انسانی، از جمله پیامدهای بی‌واسطه تداوم و تشدید مسئله در جامعه است.

متناسب با یافته‌های پژوهشی، ۱۷۷ مورد ذیل ۲۵ مضمون پایه، فضای تبیینی مسئله را تشکیل می‌دهند؛ مضامینی که در یک سطح انتزاع بالاتر، ذیل سه مضمون سازمان‌دهنده صورت‌بندی شدند. از این نظر می‌توان پیدایی و تشدید مسئله را تابعی از ساختار حمایتگر تضاد عنوان کرد.

ابعاد ساختار حمایتگر فرهنگ تضاد



همسو با مدل ساختار حمایتگر فرهنگ تضاد، باید هر بسته تجویزی در راستای ابعاد سه‌گانه طرح‌شده، تهیه و عملیاتی شود. بدیهی است چاره‌جویی و ایجاد تغییر مثبت در چنین وضعیتی به صورت دفعی، نخبگانی و انحصارگرایانه، شدنی نیست؛ بلکه به مانند ساختار تضادآفرین، باید با ایجاد محیط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متناسب با الزامات زیستی روادارانه، به کاهش فرهنگ تضاد در جامعه یاری رساند. بنابراین تدارک و اجرای هماهنگ مجموعه‌ای از راهکارها در عرصه‌های مختلف، به تحقق چنین فضایی دامن خواهد زد. از این لحاظ می‌توان راهبردها و راهکارهای زیر را پیگیری کرد:



- فرصت‌سازی برای وسعت‌بخشی و تعمیق تعاملات بین‌فرهنگی با تأکید بر تعاملات مستقیم جهت تجربه امر متفاوت: از طریق سازوکارهایی چون تقویت فعالیت‌های انجمنی و مدنی، تقویت فضای گفتگو و آزاداندیشی در فضاها علمی و فرهنگی، بازنمایی مثبت از تماس‌های بین‌فرهنگی توسط نظام تبلیغ، لزوم حمایت نهادها و مسئولان از روابط بین‌گروهی، لحاظ میزان آشنایی مسئول با میدان فعالیت در انصابت، تقویت جلسات و نشست‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، برجسته‌سازی مثبت از شخصیت‌های بین‌فرهنگی، تشویق نظام‌مند از سرمایه‌ها و ذخایر فرهنگی و هویتی خرده‌فرهنگ‌ها.

- بازتنظیم نظام تربیتی متناسب با الزامات فرهنگ مساهلانه: مهارت‌محوری برنامه‌ها و سیاست‌ها (مثل کنترل خشم، نحوه مواجهه با امر متضاد، نحوه همکاری و زیست جمعی، تفکر نقاد و آموزش آداب نقد و نحوه تصمیم‌گیری و حل مسئله)، افزایش تاب‌آوری شهروندان با توسعه محافل نقد و گفتگو، به‌کارگیری معلمان با نگرش مثبت به چندفرهنگی، افزایش هزینه‌های مرتبط با قضاوت‌های انحصارگرایانه و پیش‌داورانه در قبال امر متفاوت، تعریف تنوعات فرهنگی به‌عنوان عنصری از هویت مشترک، پیگیری سیاست بازاجتماعی کردن والدین همسو با واقعیت‌های مشروع روز و هماهنگی رویه‌ای نهادها و متولی تربیت در اهداف و روش‌ها.

- پیاده‌سازی جدی و فراگیر شناسایی امر متفاوت و برجسته‌سازی اشتراکات ملی: از طریق حمایت صنعت فرهنگ از گوناگونی‌ها و ظرفیت‌های تنوعات، تنظیم سیاست و برنامه مدون مدارا برای تمامی نهادها و ساحت‌های فرهنگی، اتخاذ رویکرد منصفانه در باب موضوعات حساس و چندروایی، عبور از خودسانسوری و طرح مباحث مغفول و مسکوت، ایجاد پویای تکریم مخالف در تمامی سطوح، فضادهی به صدای مخالف در رسانه ملی، تلطیف هیجانات منفی جامعه در رخدادها توسط نخبگان، اتخاذ رویکرد پرهیز از مقابله به مثل، تشویق به اعمال و مناسک مذهبی مشترک، حساسیت اثربخش در قبال عملکردهای واگرایانه و طبیعی‌انگاری اختلافات.

- تأمین فرصت‌های زیستی عادلانه: تعبیه سازوکارهای نظام‌مند پاسخگویی، تکریم و احترام به ارباب‌رجوع (لحاظ ارزیابی‌های ارباب‌رجوع در ارزشیابی کارکنان و امثالهم)، تمرکززدایی از قدرت با تأکید بر انتخابات خرد و محلی، بازتنظیم نظام توزیع قدرت در جامعه بر مبنای رعایت سیاسی، دادن فرصت مشروع اعتراض به معترضین، حذف و کم‌رنگ کردن محدودیت برای مخالفان، پایان دادن به امتیازات ویژه در مجوزها و بهره‌مندی‌ها، حضور عقاید و اندیشه‌های متفاوت در عرصه قدرت و تبلیغ این موضوع.

- بازتنظیم میدان دین مرتبط با رواداری: پیش‌قدمی نخبگان دینی در اعمال مداراجویانه، پرهیز از به‌کارگیری و اشاعه روایات نامعتبر حساسیت‌زا، برجسته‌سازی بعد عقلانی و استدلالی زبان دین، بالودن تشیع از نسبت‌های ناروا علیه سایر مذاهب، برجسته‌سازی حمایتگرهای معنوی مدارا (انصاف،



قضاوت و مودت)، پالودن اسلام از منابع انحرافی و شبهه افکن، تقویت کلام در حوزه - بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای کنترل اختلاف افکنی‌ها؛ بهره‌گیری از ظرفیت‌های درون‌گفتمانی جوامع هم‌جوار برای مقابله با افراطی‌گری، برجسته‌سازی پیامدها و ابعاد افراطی‌گری، جذب و به‌کارگیری نخبگان اهل سنت، تعامل سازنده با بازیگران بیرونی جهت محدودسازی تکفیر، پرهیز از یکسان‌انگاری گونه‌های وهابیت و اتخاذ احتیاط در قبال وهابیت.

- ایجاد ساختار اداری و قانون منع تضاد: اتخاذ رویکرد عقب‌نشینی قدرت از حوزه عمومی، طرح دستیابی به حقوق شهروندی به‌عنوان مهم‌ترین مطالبه ملی، سیاست جدی مقابله با خشونت در تمامی سطوح و ابعاد، اولویت‌دهی و تکریم هویت شهروندی، تسهیل زیست و سرمایه‌گذاری خارجی‌ها و افراد برون‌گروه، تسهیل‌گری و رسیدگی سریع به دعاوی و شکایات، مکانیزه و الکترونیکی کردن فرایندها و افزایش شفافیت مواجهات.

- تقویت پژوهش‌های مرتبط با نابردباری و تضاد: شاخص‌سازی مقولات و موضوعات مرتبط و انجام پژوهش‌های مستمر وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسانه.

- تقویت امیدواری در جامعه: جبران ناکارآمدی سیاست‌های عمومی دولت و ترسیم و تبلیغ چشم‌اندازها و افق‌ها.



منابع

۱. مرکز پژوهشی مینا، ۱۳۹۹، گزارش راهبردی فرهنگ تکفیر، قم، افق مکت.
۲. رشیدی، مصطفی، ۱۳۹۰، کردارهای جغرافیایی و تبیین سیاست خارجی به‌عنوان کرداری ژئوپلیتیکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
۳. بهشتی، سیدصمد و یاسر رستگار، ۱۳۹۸، «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال ۸، شماره ۲۵.
۴. پرایس، ریچارد و کریستین رئوس اسمیت، ۱۳۸۶، «رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب برساز»، در: مجموعه مقالات نواف‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برساز، گردآورنده: اندرو لینکلتر، ترجمه علیرضا طیب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۵. ترکرانی، مجتبی، ۱۳۸۸، «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان»، تحقیقات علوم اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۳، ص ۱۳۳-۱۵۶.
۶. تفتازانی، سعدالدین مسعود، ۱۴۰۱ق، شرح المقاصد، ج ۱، پاکستان، نشر دارالمعارف المتعالیه.
۷. دهقان، حسین و همکاران، ۱۳۹۹، «تشابه و تضاد ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده و مدرسه و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان»، خانواده و پژوهش، شماره ۴۵، ص ۴۲-۶۴.
۸. سراج‌زاده، سیدحسین و همکاران، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره ۴، ص ۱۰۹-۱۴۲.
۹. سلیمی، حسین، ۱۳۸۶، «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳، ص ۳۱-۵۴.
۱۰. طالب، مهدسی و همکاران، ۱۳۹۶، «مطالعه کیفی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی»، توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۷۱-۱۰۲.
۱۱. عابدی جعفری، حسن و همکاران، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۲. فیروزجانیان، علی اصغر و همکاران، ۱۳۹۵، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه الگوهای دین‌داری با انواع مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال هفدهم، شماره ۳۵، ص ۳۲۲-۳۴۰.
۱۳. قادرزاده، امید و خالد عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱، «حساسیت بین‌فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران»، علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نهم، ص ۱۲۱-۱۵۶.
۱۴. قادرزاده، امید و یوسف نصرالهی، ۱۳۹۸، «مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی»، مطالعه پیمایشی اقوام شهر میاندوآب، علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۶، شماره اول، ص ۸۹-۱۳۳.

۱۵. قاسمی، وحید، ۱۳۷۸، «انحصارگرایی فرهنگی و مخاطرات احتمالی آن»، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۴، ص ۵۴-۵۹.
۱۶. قاضی نژاد، مریم و الهه‌سادات اکبرنیا، ۱۳۹۶، «دین‌داری؛ مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۱، ص ۲۱-۴۰.
۱۷. متقی، ابراهیم و حجت کاظمی، ۱۳۸۶، «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴۲، ص ۲۰۹-۲۳۷.
۱۸. جوادی یگانه، محمدرضا، ۱۳۹۴، «خلقیات منفی ایرانیان؛ خصلت ملی یا وضعیت اجتماعی؟»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، وزارت کشور، دبیرخانه شورای اجتماعی، ص ۲۶۳-۳۲۲.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۶، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
۲۰. مقصود فراستخواه، ۱۳۹۴، ما ایرانیان؛ زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلقیات ایران، چ ۹، تهران، نشر نی.
۲۱. مؤمنی، مریم و همکاران، ۱۳۹۵، «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین‌فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ۶، ص ۷-۳۱.
۲۲. عاملی، سعیدرضا و نجمه محمدخانی، ۱۳۸۷، «ارتباطات بین‌فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه‌ای ایرانی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱، شماره ۴، ص ۴۱-۶۶.
23. Ashley, R.K. (1987), "The Geopolitics of Geopolitical Space: Toward a Critical Social Theory of International Politics", Alternatives, Vol, 12, No. 4.
24. Berger Peter & Thomas Luckmann. The social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge. New York: Penguin Books, 1976. Social Reality of Crime.
25. Boyatzis, Richard E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Thousand Oaks, CA: Sage.
26. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
27. Fuller, T. L. (2007), Study abroad experiences and intercultural sensitivity among graduate theological students: A preliminary and exploratory investigation. Christian Higher Education, 6(4).
28. Bennett, M. (1993), Towards ethnorelativism: The developmental model of intercultural sensitivity. In M. Paige, (Ed.), Education for The Intercultural Experience, Yarmouth, ME: Intercultural Press.